

دوره یازدهم قانون گذاری

جلسه - ۹۴

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

بانضمام متن قوانین

یکشنبه ۲۰ خرداد ماه ۱۳۱۸

شماره مسلسل - ۸۱۳

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز يك شنبه ۲۰ خرداد ماه ۱۳۱۸ *

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
 ۲ - شور و تصویب مواد ۳۳ تا ۳۴ لایحه اداره تصفیه امور ورشکستگی
 ۳ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر دادگستری
 ۴ - تصویب سه فقره مرخصی
 ۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت و ربع پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس ۱۳ خرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد - خیر)
 صورت مجلس تصویب شد.

[۲ - شور دوم و تصویب مواد بیست و سه تا ۳۳ لایحه اداره تصفیه امور ورشکستگی]

رئیس - بقیه شور دوم لایحه ورشکستگی از ماده ۲۳ قرائت میشود:

مبحث دوم - دعوت بستانکاران

ماده ۲۳ - اگر بنظر اداره حاصل فروش اموالی که صورت آنها بر داشته شده کافی برای پرداخت هزینه ورشکستگی نباشد اداره اقدام به تصفیه اختصاری مینماید مگر این که یکی از بستانکاران در خواست کند که کار بر طبق

اصول تصفیه عادی جریان پیدا نموده و هزینه آنرا قیلا بدهند. در مورد تصفیه اختصاری اداره آگهی میکند که در ظرف چهل روز هر کس هر گونه ادعائی دارد بنماید و سپس بهر ترتیب که منافع بستانکاران اقتضا میکند بدون رعایت تشریفات اقدام بفروش اموال نموده حاصل آنرا بین آنان تقسیم و ختم عمل تصفیه را اعلام میدارند.

در سایر موارد بطریق عادی بر طبق مواد زیر اقدام خواهد شد.

رئیس - موافقین باماده ۲۳ برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد، ماده ۲۴:

ماده ۲۴ - اداره تصفیه آگهی منتشر نموده و نکات زیر را در آن قید مینماید.

عین مذاکرات مشروح بود و چهارمین جلسه از دوره یازدهم قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

- غائبین با اجازه - آقایان: نفع الاسلامی - نوابیت - دبیر سهرابی - حاج ملک - معتمد سنگ - ضابطیانی
 غائبین بی اجازه - آقایان: معدل - اعظم زنگنه - نواب یزدی -
 دبیر آمدگان بی اجازه - آقایان: دکتر سمعی - بوداغبان - دکتر ادهم - نیک یور - و کیلی - قراگزار

۱- تعیین ورشکسته و عمل اقامت او و تاریخ توقف (در صورتیکه در حکم دادگاه تعیین شده باشد)
۲- اخطار به بستانکاران و کسانی که ادعائی دارند باین که ادعای خود را در ظرف دو ماه بداره اعلام نمایند و مدارك خود را (اصل یا رونوشت گواهی شده) بداره تسلیم دارند.

اداره میتواند این مدت را برای کسانی که در خارجه اقامت دارند تمدید نماید.

۳- اخطار به بدهکاران متوقف که در ظرف مدت نامبرده خود را معرفی کنند متخلفین از این اخطار بمجازات نقدی معادل صدی بیست و پنج دین بفتح صندوق (ب) مذکور در ماده ۵۴ محکوم خواهند شد دادگاه میتواند علاوه بر جریمه نقدی به حبس تأدیبی از سه ماه تا ششماه نیز محکوم نماید.

۴- اخطار به کسانی که بهر عنوان اموال ورشکسته در دست آنهاست که آن اموال را در ظرف مدت نامبرده در اختیار اداره بگذارند و گرنه حقی که نسبت بآن مال دارند از آنها سلب خواهد شد مگر این که عذر موجهی داشته باشند.

۵- دعوت اولین جلسه هیئت بستانکاران که منتهی در ظرف بیست روز از تاریخ آگهی تشکیل خواهد شد ضمناً قید شود کسانی که با متوقف مسئولیت تضامنی داشته و یا ضامن او هستند میتوانند در جلسه حضور بهرسانند

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - البته در این که این لایحه بسیار لایحه جامع و مفیدی است شکی نیست و يك قسمت مهمی از کارهای قضائی و اختلافات را رفع میکند و سرعت حل و فصل خواهد کرد در شور اول بنده نظری که داشتم در قسمت شق ۳ بود که بده کار محکوم به جریمه نقدی و حبس خواهد شد و از آقای وزیر دادگستری نمائش از قسمت حبس با آثاری که برش مترتب است صرف نظر شود حالانکه هم چون عضو کمیسیون هشتم و میداتم کمیسیون هم مراقبت کرده است در این لایحه حالا در این قسمت هر طور مجلس صلاح میدانند موافقت

فرمایند در قسمت ۳ مینویسد کسانی که اموالی از ورشکسته در دست دارند وقتی که بانها ابلاغ شد بهر عنوان باید بیایند و در ظرف مدت نامبرده بداره اطلاع دهند و اگر اطلاع ندادند هر گونه حقی که نسبت بآن اموال دارند از آنها ساقط میشود فرض بفرمانند که يك کسی قبل از ورشکستگی يك اموالی نداشته است خانه داشته است فرش داشته است و آن اموال را مطابق مقررات قانونی واگذار کرده است بدیگری و حالاً دیگر آن متوقف هیچگونه حقی نسبت بآن اموال ندارد اگر نباید اطلاع بدهد حق او ساقط خواهد شد این قسمت هم بنظر بنده یکقدری مورد توجه و مداقه است.

رئیس - آقای ظهرانچی

ظهرانچی - در این ماده راجع به بدهکارها اخطار میشود که بیایند و خودشان را معرفی کنند و اگر معرفی نکردند برای آنها مجازاتی قائل شده اند البته با این قید است که دادگاه میتواند ولی بنده میخواهم بفهمم ممکن است دفاتر شخص ورشکسته خودش را از يك اشخاصی طلبکار بداند در صورتیکه این طلب عمل اختلاف باشد و خود طرف و دفاترش خودش را بده کار نداند و عمل اختلاف باشد که اگر حساب اینطور بوده این شخص بده کار نمیشد ممکن است به دادگاه هم که مراجعه کردند محکوم شود به بی حقی و بده کاری و باید يك صدی بیست و پنج اضافه بدهد یا این که حبس هم بشود اگر این ترتیب باشد چه شخص ورشکسته و چه غیر ورشکسته البته هر کس که بده کار است باید بده خودش را بدهد و اگر نپردارد طلبکار به دادگاه مراجعه میکند و طلب خودش را وصول میکند دیگر حبس و جریمه نقدی بنده گمان نمیکنم که ضرور باشد. در این قسمت هم همانطور که نماینده محترم فرمودند اگر اموالی از ورشکسته دست کسی باشد و نباید اطلاع بدهد ممکن است پیش او کرو باشد یا امانت باشد در اینصورت او خودش را صاحب يك حقی میدانند که آن اموال را بیاورده است بدهد که حق خودش را دریافت دارد و آن اموال را پس بدهد و بنده این مال را نباید بمجرد اخطار بیاورم و بداره تسلیم کنم مگر اینکه طلب مرا بدهند و پس

بگیرند که دیگر حقی از من ساقط نشود و تصور میکنم این یکقدری موافق قواعد نخواهد بود.

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - بنده در اصل این ماده نظری که دارم در دو نکته است و الا از دو نکته که بگذرد سایر قسمتهای دیگر ماده خیلی خوب تهیه شده است و حقیقتاً همانطور که نماینده محترم بیان کردند این ماده و سایر مواد این قانون فوق العاده مفید است و از خیلی کارها جلوگیری خواهد کرد و بعلاوه موجب تسریع هم خواهد بود. دو نکته که مورد نظر بنده بود بلکه بیشتر بود در سابق و فوق العاده متشکرم از آقای وزیر دادگستری که در آن قسمت موافقت فرمودند و همسایگان را برداشتند که به همسایه کسی کاری نداشته باشد اما راجع به اینکه اگر اموالی نزد اشخاص باشد از ورشکسته این قسمت سوم نمیرساند که اگر قبل از ورشکستن مالی را فروخته باشد او مشمول این ماده باشد زیرا اگر قبل از ورشکستن مالی را فروخته است او دیگر مالك آن اموال شناخته نمیشود تا این که بگوئیم بایستی او بیاید و معرفی کند که قبل از ورشکستن این شخص مالی بمن فروخته است بسیار خوب آن فروخته رفته است بی کارش صحبت در این است که اگر ورشکسته شد و در عین ورشکستگی يك مالی دارد که متعلق بورشکسته است یا بعنوان رهن یا غیر رهن پیش اشخاص است آن اشخاص باید بداره تصفیه آن اموال را معرفی کنند حالاً بیاورند معرفی کنند اداره تصفیه که فوراً تصرف نخواهد کرد و وقتی آمد اطلاع داد آن حق رجحان و آن حق اولویت که دارد محفوظ خواهد ماند اگر از ورشکسته ملکی رهن پیش من باشد باید همه طلب مرا آن اداره بدهد و آن مال را بگیرد و همینطور هم خواهد بود بعد اگر مازاد دارد مازادش بین طلبکارهای دیگر تقسیم میشود بنا بر این قید اینکه در اختیار اداره تصفیه بگذارم اشکالی ندارد و آن حق من محفوظ خواهد بود. اما آمدم سر مسئله دادگاه البته وقتی بده کار تعلل کرد و نیامد این قسمت جریمه و مجازات حبس تا يك اندازه علاوه بر این

که تسریع میکند اخلاق را هم تصفیه میکند که اشخاص بدانند بده کاری بد چیزی است و بفکر باشند که بده مردم را بپردازند تا چه حد باید بده مردم را نگاهداشت که آن بدهکاره روی همین بدهی ورشکست شود چه اغلب کسانی که ورشکست نیستند ولی فقط روی بدهی بده کاران است که ورشکست شده اند اگر او بده خودش را بدهد خوب از این میگریزد و باو میدهد هر چه میگوید به طلبکارها که صبر کنید من ورشکست نشده ام از این و آن طلبکار هستم و اسباب رحمت من شده است صبر کنید من مال خود را بگیرم این برات تو را میدهم یافته طلب تو را میدهم تو فوری رفتی و مرا ورشکسته معرفی کردی من دچار بده شده ام بنابر این اگر بده کارهای بد يك سخت گیر نهائی بشود بعقیده بنده در این قسمت هیچ اشکالی نیست فقط نکته که قابل توجه است پیش بنده یکی مسئله مجازات است جریمه نقدی هر مبلغی که میخواهید بکنید بنده حرفی ندارم ولی لفظ مجازات يك اثراتی دارد و در مسائل حقوقی تمییز است اثر جزائی برای اشخاص معین کرد فردا میگویند مجازات کردند تو را بایستی در سجل جزائیت نوشته شود و وقتیکه نوشته شد البته اثر بدی دارد در امر حقوقی این است که بنده از آقای وزیر دادگستری استدعا میکنم که این لفظ مجازات نقدی که در قسمت سوم این ماده است لفظ مجازات تبدیل شود به لفظ جریمه این يك پیشنهاد است پیشنهاد دوم من این است که این سه ماد تا شش ماه حبس را تبدیل بکنند بدو ماه الی چهار ماه که از این دو ماه الی چهار ماه آن نظری که دارند آن نظرشان هم تأمین شود نظر بنده و رفقای بنده هم که يك نگرانی اظهار فرمودند تأمین شود بقیه بسته بنظر خودشان است و چون در شور دوم است و بنده نمیتوانم پیشنهاد مستقلی بکنم خواهش میکنم موافقت فرمایند.

وزیر دادگستری - این اشکالاتی را که آقایان راجع باین ماده ۲۴ می فرمایند بنده مفصلاً در شور اول جواب عرض کردم بنظر بنده اگر يك توجهی بطلب و حقیقت مطلب فرمایند این نگرانی هائی که راجع بحبس و مجازات و اینها

دارند هیچ موضوع و مورد ندارد بایستی مواد این لایحه را روی هرفته در نظر بگیرند و اگر بنا باشد که مواد این قانون را تک تک بگیریم و پیش و پس را در نظر بگیریم و فراموش کنیم ممکن است يك نگرانی هائی توهم بشود و خیلی نظر بدی پیش بیاورد ولی ما آمديم يك قانون تصفيه جدیدی آوردیم و تصفيه را هم می خواهیم تسريع کنیم و می خواهیم منتهی در ظرف ۸ ماه يك تصفيه را تمام کنیم برود بی کارش خوب تصدیق فرمائید که معجزه نمی تواند بکنند مأمورین داد گستری لابد باید چرخها تند بگردد که بتوانند این دستگاه را بچرخانند و کار را تمام کنند و اگر دست بهش بزنیم تمام موادش بهم میریزد و اساسش بهم میخورد ما که را می خواهیم جریمه کنیم و مجازات کنیم . يك کسی را که باو اخطار می کنند که تو دین داری و باید بدهی و باید يك چنین کسی بیاید و بدهی خودش را بدهد يك بدهی تردیدی را که مجازات برایش قائل نمیشوند اگر تردید دارد هیچکس را برای بدهی تردیدی حبس و جریمه نمی کنند ولی هر گاه بعداً در داد گاه ثابت شد که این بدهی داشته و در موقع خودش اعلام و معرفی نکرده مجازات میشود ما که نگفتم بیاید این جا پولتان را بدهید گفتیم بیاید خودتان را معرفی کنید که اداره تصفيه بداند چقدر دارائی ورشکسته است و چقدر بدهی او بدهکاری هارا بدهد بستانکاری هارا بگیرد و تصفيه کند برود بی کارش و ناچار هم هستیم این کار را بکنیم . اما اینکه آقای طباطبائی فرمودند که این جا در ظرف مدتی اگر حق خودش را اظهار نکرد چرا باطل بشود حق او البته باطل میشود آیا پس مرور زمان را شما منکر میشوید اگر بنا باشد اشخاص بی حال حقوق شان را تعقیب نکنند و همینطور هم حق شان محفوظ بماند پس اساس مرور زمان برای چیست آقای ؟ باید نظم برقرار شود آقا و کار تسريع بشود و بگذرد البته روابط بین دو نفر فرق دارد با روابط بین جماعتی از روابط بین طلب عمر و وزید ما کاری نداریم مادامی که عمر و طلبش را مطالبه نکند از زید ما کار نداریم اما اینجا صحبت عمر و وزید نیست صحبت يك جماعتی است

که دچار يك ورشکسته شده اند يك جماعتی که از يك تاجر ورشکسته طلبکار و یا باو بدهکارند موضوع ورشکستگی است از ورشکستگی بالاتر و بدتر چیزی فرض می شود ؛ يك جماعتی دارائی شان پیش يك تاجری بوده و آن تاجر ورشکسته شده و تمام در نگرانی هستند و باید کار آن تاجر تصفيه شود و همه منتظر هستند که کارشان يك طرفه شود بدهکاران هم باید سرعت بخرج بدهند در دادن طلب تاجر که مال مردم است و باید بطلبکاران برسد اگر کسی بخواهد بخیال خودش باشد که اگر بايك نفر طرف بود چه می کرد حالا هم همان کار را بکند خیر آقا حالا بايك جماعتی طرف است جماعتی که دارند می سوزند ورشکستگی آقا کمتر از يك حریق نیست در يك همچو موافقی همه باید سرعت و وظیفه خود را انجام دهند اگر بدهی دارند سرعت بدهند اگر طلب دارند معلوم شود و جماعتی از بله خلاص شوند و این مواد را وقتی که کلی در نظر بگیریم هر کدام يك فلسفه دارد و این اوضاع و احوال هر کدام بجای خودش صحیح است و مواد بجای خودش نوشته شده و هیچ نگرانی هم ندارد . اما در موضوع پیشنهادی که آقای اوحدی فرمودند با قسمت اولش موافقم ولی متأسفانه در قسمت دومش نمی توانم موافقت کنم با قسمت تبدیل مجازات بجریمه موافقت میکنم ولی در قسمت حبس نمی توانم موافقت کنم و برای هر متخلفی باید باندازه خودش مجازات قائل شد البته اوضاع و احوال قضیه را کلاً داد گاه در نظر میگیرد و مسلماً این چند قسمتی که این جا قائل شده اند و نوشته اند همیشه همه اش اعمال نخواهد شد ولی وقتی که شما خودتان تصدیق کردید که معرفی نکردن در این موقع يك عمل قبیحی است عمل قبیح را باید باندازه قبحش در قانون مجازات معین کرد و مجازات داد اما البته داد گاه در موقع خود مراعات تخفیف و اوضاع و احوال و اینها را خواهد نمود و در اعمال و اجرای قانون مجازات هر کس بقدری که خاطی بوده است و سوء نیت داشته است مجازات خواهد دید و این يك قالبی است برای يك حکم کلی که ما نوشته ایم که

تا این حد مجازات میشود همچو عملی و در يك جائی ممکن است تخفیف بدهد به سه ماه برساند ممکن است پانزین ترمم بیاید يك جادم ممکن است تخفیف ندهد و همان حد اعلامش را اعمال کند پس شما تشویب نداشته باشید و این همه فکرهایش شده است و در کمیسیون هم مذاکره شده است و باین صورتی که ملاحظه می فرمائید در آمده است .

رئیس - با این اصلاح آقای غیر موافقت ؟

مخیر - صحیح است بنده هم موافقم بعلاوه در سطح دوم جریمه نقدی تکرار شده است مقصود همان جریمه نقدی است

رئیس - آقای تهرانچی

تهرانچی - اگر آقای وزیر داد گستری توجه بعراض بنده فرمائید کمان میکنم رفع اشکال بشود . اینکه فرمودند ما این مواد را در نظر گرفتیم برای سرعت عمل و خاتمه امر ورشکستگی بنده عرض میکنم صحیح است ولی اگر بنا باشد برای سرعت يك عملی که البته زمان لازم دارد تا خاتمه پیدا کند يك اشخاص را بی جهت محکوم کنیم بحبس و جریمه نقدی فقط برای اینکه سرعت در عمل قائل شویم قدری قابل دقت و مطالعه است که عدالت هم منظور شده باشد و در عین حال يك عملی را زودتر تمام کنیم .

اما موضوع عرض بنده راجع باختلاف بود بنده عرض کردم البته اشخاصی که خودشان را بدهکار میدانند این بدیهی است وقتی که خودشان را معرفی نکردند البته باید جریمه شوند و آن را هم هر قدر بخواهید معین فرمائید بنده مخالفتی ندارم اما اگر موضوع مورد اختلاف واقع شد این تاجر ورشکسته خودش را از من طلبکار میدانند باسنادی هم دارد مطابق او و در دفترش هم هست و بعداً بواسطه اینکه جنسی که به بنده داده است نظر باینکه معامول بوده و آن متاع از اریه بوده و يك عیوبی داشته است من اعتراض داشته ام که نباید بعلت این اوزاریه فلان قدر تخفیف داده شود بین بانالان قیمت بر گردد از این حیث من خودم را بدهکار میدانم یا کمتر بدهکار میدانم یا پرداختی کرده ام فلان قیمت و موضوع بعقیده من خاتمه یافته است

یا اصلاً بدهکار نیستیم و او هم قبول ندارد ولی در داد گاه وقتی که مراجعه شد آنجا هیچ فرض نمیشود که احکامات داد گاه برخلاف حق صادر شده چون ما میدانیم احکام محاکم برای حل و تسویه امور است که دعاوی خاتمه باید نه از حیث عدالت و رسیدن بحقیقت پس گاهی ممکن است که این داد گاه موضوع او اریه را که بنده ادعا میکنم داد گاه وارد ندانست و نباید رسیدگی کند و بنده را محکوم و بدهکار بداند بورشکسته خوب در این موارد بنده باید هم جریمه بدهم و هم حبس بشوم ؟ این قدری مشکل است البته در موردی که اختلاف در بین نباشد اشکالی ندارد بدهکار خودش را معرفی میکند ولی البته کسی که اختلاف در سر يك موضوعی با تاجر ورشکسته مثلاً همانطوریکه عرض کردم سر او اریه بوده یا اینکه اگر اختلافی بوده سر موقع خودش اخطار نکرده اند باو این البته يك قدری مجازاتش شدید است که بیاید جریمه بدهد حبس هم بشود اما قسمت دوم عرض بنده راجع باموال ورشکسته آقای اوحدی فرمودند که این مال وقتی است که بعد از ورشکستگی اموال خودش را بکسی داده باشد مجازات میشود این صحیح البته اصلاً او نباید قبول کند و تسویر میکند اگر کسی در این موقع اموال ورشکسته را قبول کند مجازات کرده است و دزدی کرده است و مطابق قوانین دیگری مجازات میشود ولی اگر قبل از ورشکستگی بوده و اموالی را به من منتقل کرده است این تاجری که امروز ورشکسته شده با برهن گذاشته است و من حقی نسبت بان مال یا اموال داشته باشم و در ظرف این مدت دو ماه نیایم اعلام کنم و معرفی کنم تمام حقوق بنده از بین میرود خوب اگر من حقی دارم آقای وزیر داد گستری فرمودند که اگر حق خودش را معرفی نکند حقت ساقط میشود و مرور زمان جاری میشود و اگر من يك حقی داشته باشم و يك مالی پیش من باشد و من حق بان مال دارم و دلیل ندارد که اگر بنده نیایم و تسلیم نکنم بهیئت تصفيه امور ورشکسته بنده محکوم به بی حق بشوم و تمام حقوقانی که نسبت باین مال دارم از بین برود چون این مال را بنده بالاخره نظر بيك حقوقی گرفته ام که پیش من مانده است .

مخبر - عرض کنم این لایحه را که آقای وزیر دادگستری بمجلس آوردند و بعد بکمیسیون قوانین دادگستری ارجاع شد در کمیسیون مخصوصاً نسبت باین ماده و این دو فقره از این ماده که مورد بحث واقع شده يك جلسه تمام صرف وقت شد و مذاکرات مفصل بعمل آمد و خیلی صحبت شد حتی در خارج هم از آقایانی که در قسمت تجارت و تصفیه امور ورشکستگی تخصص داشته تقاضی شد که بکمیسیون تشریف بیاورند و توضیحات خودشانرا بیان کنند که قضیه کاملاً حلاجی شده باشد. نسبت باین دو مورد بخصوص نظری که کمیسیون اتخاذ کرد این بود که بموجب مواد بعدی قید شده است که باید دوره ورشکستگی نامدت ۸ ماه خاتمه پیدا کند و اصولاً مواعید کم شده اعلانات محدود شده و البته همه این مواعید و اعلانات که کم شد يك تکلیف شاقی برای مأمورین معین شد. اما اشخاص خارج هم ایجاد يك معارضه و مخالفت هائی خواهند کرد که ناچار باید منتظر حل آن اختلاف بود. مثلاً بدهکار حقش را در موقع معین نمی آید بدهد. البته در مواد بعد معین شده است که رئیس اداره تصفیه عرضحال بدهد و حق ورشکسته را بگیرد و این بدهکار را هم يك جریمه باید برایش معین کرد که آقا شما تا بحال تاامل کردید تا کار تاجر ورشکستگی منتهی شد و حالا هم بدهی خود را عقب می اندازید تا اینکه جماعت طلبکارها هم ممکن است بتوبه خود ورشکسته شوند این است که در این قسمت هم باید جریمه معین شود. در مورد اعتراض آقای طهرانی اگر قدری بعماده توجه بفرمائید رفع اشکال میشود و آن این است که اخطار بدهکاران متوقف میشود که در ظرف مدت نامبرده خود را معرفی کنند نه اینکه بیایند بدهی خودشان را بدهند بیایند اقرار کنند که ما بدهکاریم خود را معرفی کنند بگویند که آقا این شخص بر حسب حسابی که با ما دارد و ما خیال میکنیم که او فرضاً يك ريال طلبکار است ولی ممکن است که او خودش را بیشتر طلبکار بداند ولی من در هر صورت خودم را معرفی میکنم و حاضریم به حسابم رسیدگی شود این که ضروری ندارد و این معرفی هم جلوگیری

از تعقیب جزائی او خواهد کرد و این جا هم قید معرفی است برای اینکه يك مطالباتی عمرمانه و پرشیده نماند و این معرفی هم او را رها کند از این مجازات حالیه این را مجازات جزائی معین میفرمائید یا حقوقی بهتر حال این مجازات نیست که این ایراد وارد باشد. در مورد شق چهار با نظر آقای طهرانی توجه شده بود که اشخاصی که اموال در نزد آنهاست. يك مثال آقای مطالباتی زدند که ممکن است متوقف يك چیزهائی را فروخته باشد اگر متوقف فروخته باشد که آن خریدار مالك است و دیگر متوقف مالك نخواهد بود و با صحت عقد بیع قطع مالکیت از او میشود و مشمول این ماده نیست. اما این که چیزی در دست او باشد اگر نظر آن باشد این ماده اینطور نبود باین صورت بود که هر يك از همسایگان و کسانی که در يك منزل با متوقف زندگی میکنند مکلفند که اطلاع بدهند که اموال این متوقف کجاست این ماده تعدیل شد در کمیسیون و باین ترتیب شد و فکر شد که تاجر متوقف قبلاً احساس توقف میکند و بر اثر این احساس ممکن است که يك اموالی نزد اشخاص بعنوان رهن بعنوان امانت بفرستد آنها هم نمیدانند که او چه نظری دارد یا چه خیالی دارد بعد متوقف میشود چون بر اثر توقف میروند در منزلش اموالش را توقیف میکنند مال التجاره او را توقیف میکنند ولی قبلاً اموالی را بدست اشخاص سپرده است آنها مکلفند قبلاً خودشان را معرفی کنند و آن اموال را پس از اعلان ورشکستگی بهیئت تصفیه صورت بدهند که از مال این تاجر این اموال پیش ما است و قتیکه بدهکار مکلف میشود که بیاید خودش را معرفی کند پس امانت کار بطریق اولی باید بیاید خودش را معرفی کند برای اینکه وقتی ما شق سوم را قبول کردیم شق چهارم را حتماً قبول کردیم زیرا این معنی با يك شکل خفیفی در متن شق سه وارد است.

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - البته با توضیحاتی که داده شد مطلب يك قدری روشن شد ولی آنچه فرمودند معلوم شد که در ماده سه همین معنی در نظر گرفته شده بنده خواستم اگر قبول

بفرمائید در ماده ۴ هم همینطور بنویسیم که اگر اموالی در نزد اشخاص است وقتی که حکم از طرف هیئت تصفیه صادر شد اینطور نباشد که آنها اموال را بیاورند تسلیم کنند. چون در ماده ۳ اینطور نیست که وقتی که اخطار شد هر کس بدهی دارد بیاید بدهی خودش را بدهد اینطور است که اگر بدهکار است بیاید در ظرف مدت مقرر خودش را معرفی کند یعنی اظهار کند که من این مقدار را بدهکارم. در ماده چهارم اینطور نیست پس اینجا هم اینطور کنید که اگر اموالی در نزد اشخاص است بیایند معرفی کنند چون ما این لایحه را برای حمایت از يك ورشکسته که تهیه نمیکنیم. عرض کردم يك قانون مفید و سودمندی است و از اجرای این قانون کمک مؤثری در حل و فصل قسمت زیادی از امور قضائی خواهد شد مخصوصاً متوجه تسریع امر تصفیه است بنا بر این بنظر بنده مقتضی است در لایحه هم بنویسند که اشخاص مکلفند که اگر اموالی بعنوان مختلف در دست آنها هست بیایند و اداره تصفیه را آگاه کنند نه اینکه تسلیم کنند.

مخبر - عبارت در اختیار بگذارند همیشه معنایش تسلیم کردن اموال بطور مطلق نیست همیشه اینطور نیست که حتماً باید تسلیم کنند گاه هم هست که اطلاع میدهد که این مال در تصرف من است و حقوق رجحان من باید محفوظ باشد.

رئیس - موافقین باماده ۴ بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۲۵

ماده ۲۵ - آگهی در مجله رسمی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار دو بار بفاصله ده روز منتشر خواهد شد - نسخه از این آگهی برای هر يك از بستانکارانی که شناخته شده است فرستاده میشود.

رئیس - آقای کاشف

کاشف - بنده يك پیشنهاد خیلی کوچکی داشتم در این ماده که اگر آقای وزیر دادگستری همچنین آقای مخبر کمیسیون قبول بفرمایند رفع بعضی نگرانی هائی که آقای طهرانی اظهار فرمودند خواهد شد و آن الحاق کلمه بدهکار است قبل از

بستانکار باین معنی که رونوشت اخطاری که درین ماده قید شده است برای بستانکاران فرستاده میشود يك رونوشتی هم از آن اخطار فرستاده میشود برای بدهکارانی که شناخته شده است یعنی چه؟ یعنی بدهکارانی که در دفتر متوقف اسمشان هست حالا اگر اینطور تصور شود که باین پیشنهاد شق سه از ماده قبل سست میشود بعقیده بنده سست نمیشود برای اینکه بموجب آن شق هر کس بهر عنوان و از هر بابی دینی و بدهکاری داشته باشد اعم از اینکه در دفتر متوقف وارد باشد یا نباشد مکلف است بر طبق دستوران ماده خودش را معرفی کند این تکلیف برای او هست ولی ممکن است در دفتر متوقف يك دینی برای اشخاصی قید شده باشد که اصلاً وجود خارجی ندارد بهیچوجه من الموجود و شاید اصلاً رابطه هم ما بین متوقف و آن شخص که بعنوان بدهکار در دفتر متوقف ذکر شده است هیچ نباشد اتفاق افتاده است و خیلی هم اتفاق افتاده است بنا بر این حداقل این است آن کسیکه اسمش در دفتر متوقف بعنوان بدهکار قید شده است بداند این معنی را که متوقف او را بدهکار شناخته است در دفتر خودش البته اداره تصفیه که اطلاع ندارد از این قسمت اداره تصفیه آنچه را که در دفتر بدهکار قید شده است طلب مسلم میداند و قتیکه خلاصش ثابت نشده است حالا فقط حق این کار این است که اگر چنین موردی پیش بیاید و آن اشخاصی که اسمشان در دفتر متوقف بعنوان بدهکار رفته است اولاً مسبق میشوند باین معنی و بالاخره میپردازند و اگر هم نداشته باشد میباید در همان اداره تصفیه و لازم هم نیست محکمه برود میباید در آنجا میگوید این دینی که بنام من نوشته شده است یا اشتباه است و یا اصلاً موضوع ندارد بنا بر این بهیچوجه من الوجوه از حکمی که در شق ۳ ماده قبل نوشته شده است نخواهد گاست البته ممکن است يك اشخاصی بده کار باشند ولو اینکه اسمشان در دفتر متوقف نباشد ممکن است تلباتی هائی هم بشود باز مکلف است که بحکم این قانون بیاید و خودش را معرفی کند ولی ممکن است کسانی هم باشند که حقیقه دینی نداشته باشند و هیچ رابطه هم با متوقف نداشته باشند این فقط البته يك آگهی است که در مجله یا در روزنامه

درج و منتشر میشود و البته وقتی که من خودم را بده کار نمیدانم و رابطه هم با متوقف ندارم داعی ندارم که بیایم و خود را معرفی کنم و حرفی بزنم و بچطور ممکن است که اداره تصفیه همه را مدیون بدانند و همه مردم بیایند و اطلاع بدهند که ما مدیون نیستیم ولی بعضی اینکه يك سواد از آن آگهی برای اشخاصی که اسمشان در دفتر مدیون متوقف قلمداد شده است فرستاده شد زود تکلیفش معلوم میشود.

وزیر دادگستری - این ایراد را اگر هر يك از آقایان نمایندگان محترم میفرمودند بنده تعجب نمیکردم ولی از آقای کاشف که سالها در امور بازرگانی بخصوص در امور ورشکستگی و تصفیه سوابق بسیار زیادی دارند و همیشه مورد استفاده بوده اند خیلی تعجب می کنم که در کمیسیون هم فرمودند در مجلس هم تکرار کردند برای اینکه این قید بده کاران که فرمودند این نه فقط مفید نیست بلکه اصلاً عملی نیست قطع نظر از آن ایرادی که بجواب مقدر فرمودند و خودشان جواب خودشان را دادند و تذکر دادند که این ماده سابقاً است میکند قطع نظر از این اصلاً عملی نیست چون که این ماده در يك مبحثی نوشته شده است که اسمش دعوت بستانکاران است (مبحث دوم دعوت بستانکاران) کی اینکار می شود؟ وقتی که تازه اداره تصفیه وارد کار شده دفاتر را ندیده و هنوز دقت نکرده و نمیداند بده کار کیست اصلاً فلسفه این که در آگهی اول قید کردیم که بده کارها خودشان بیایند و خودشان را معرفی کنند برای این بود که اگر اداره تصفیه فرصت داشت و خودش میتواند است صورت بده کارها را پیدا میکرد لازم نبود که اعلان بکند که خودشان بیایند و معرفی کنند این برای تسریع است چون اصلاً اداره تصفیه بده کارانرا نمیشناسد نه فقط نمیشناسد بلکه فرصت هم نبود تا جری که متوقف می شود در هر شهری که شده مثل برق خیر توقف او منتشر می شود طلبکارها و بستانکارها نگران میشوند و اینها اول کسی هستند که متوحش می شوند و خودشان را معرفی میکنند و قبل از آگهی خودشان را معرفی میکنند بلکه قبل از اینکه در دادگاه مطرح شد بستانکارها به تک و دومی افتند و خودشان را

معرفی میکنند ولی بده کارها هیچ صرفه ندارد که خودشان را معرفی کنند و عادت هم بر این است که بده کار هیچوقت صلاح نمیداند که خودش را معرفی کند و اسامی آنها هم لای آن دفتر متوقف است و اداره تصفیه وقت نکرده است مراجعه کند و بیشتر فلسفه ذکر این در ماده برای این است که اداره تصفیه میخواهد که هر چه زود تر اولین جلسه مجمع عمومی بستانکاران تشکیل بشود و واقعاً در این مدت کم ممکن نیست که اداره تصفیه بتواند بده کاران را بشناسد و بهمین دلیل است که در شش سوم ماده قبل نوشته شده که بده کاران بیایند و خودشان را معرفی کنند و تمام برای این است که جریان تصفیه خیلی سریع شود قبل از اینکه اداره تصفیه مراجعه کند بدفاتر و این کار شوخی نیست مراجعه بتمام دفاتر چون هر کس که اسمش بعنوان بدهکار است مسلم نیست که بدهکار است و ممکن است در این صفحه اسمش بعنوان بدهکار باشد و در صفحه دیگر حسابش تصفیه شده باشد ولی کسیکه از همه بهتر میداند خود بدهکار است که باستی خود را معرفی کند و اگر تردید هم داشته باشد ممکن است به قید تردید معرفی کند

کاشف - پس گرفتیم

رئیس - موافقین با ماده ۲۵ برخیزند (اغلب قیام نمودند)

تصویب شد. ماده بیست و شش

مبحث چهارم - اداره اموال

ماده ۲۶ - اولین جلسه بستانکاران تحت ریاست یک نفر

از کارمندان اداره تشکیل میشود و اداره گزارشی راجع بصورت

اموال و سایر امور مربوط بمتوقف را برای بستانکاران میتواند

رئیس موافقین برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب

شد. ماده بیست و هفتم:

ماده ۲۷ - بستانکاران میتوانند پیشنهاداتی راجع بادامه

جریان کار بازرگانی یا حرفه ای مربوط بمتوقف بنمایند ولی

تصمیم با اداره تصفیه است و بطور کلی اداره تصفیه نماینده منافع

هیئت بستانکاران میباشد.

رئیس - موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب

شد. ماده بیست و هشتم:

ماده ۲۸ - اداره تصفیه نسبت باشیائی که مورد مطالبه اشخاص ثالث است تصمیم مقتضی اتخاذ نموده و اگر آنها را عقی بداند مبادرت به تسلیم آن مینماید و کرده روزباشان مهلت میدهد که در دادگاه صلاحیت دار اقامه دعوی نمایند کسی که در ظرف ده روز بدادگاه صلاحیت دار رجوع ننماید دیگر دعوی او مسموع نخواهد بود.

رئیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب

شد. ماده بیست و نه

ماده ۲۹ - اداره تصفیه اقدام بوصول مطالبات مینماید و در صورت ضرورت برای وصول اقامه دعوی خواهد کرد اشیائی که در معرض تنزل قیمت بوده و یا نگاهداری آنها هزینه غیر متناسبی را ایجاد مینماید بدون تأخیر فروخته خواهد شد.

همچنین اقدام بفروش برگهای بهادار (بورسی) و یا اشیائی که در بازار قیمت معینی دارند بعمل خواهد آورد سایر اموال بترتیبی که بعداً ذکر خواهد شد فروخته میشود.

رئیس - آقای نیک پور

نیک پور - عرض کنم در يك قسمت از این ماده ذکر شده است که اشیائی که در معرض تنزل قیمت بوده و یا نگاهداری آنها هزینه غیر متناسبی را ایجاد مینماید بدون تأخیر فروخته خواهد شد. ممکن است متوقف اشیائی هم داشته باشد که غیر از انصورت باشد مثلاً دواجاتی است که نگاهداری آنها موجب فساد و خراب شدن آنها میشود اگر صلاح بدانید این قسمت را هم در این جا اضافه فرمائید که جلوگیری از این خسارت هم بشود.

وزیر دادگستری - تصور میکنم منظور آقای نیک پور کاملاً تأمین شده است زیرا این عبارت که نوشته ایم اشیائی که در معرض تنزل قیمت است این فرمول عامی است که آن اشیائی را هم که مورد نظر است آنها را هم شامل میشود.

رئیس - موافقین ماده ۲۹ برخیزند (اغلب برخاستند)

تصویب شد. ماده سی

مبحث پنجم - رسیدگی بمطالبات

ماده ۳۰ - پس از انقضای موعده مقرر برای ارائه اسناد اداره بمطالبات رسیدگی نموده تصدیق یابد مینماید و جلب نظر متوقف را در صورتیکه در دسترس او باشد خواهد کرد و اداره مکلف نیست به اظهارات متوقف ترتیب اثر دهد.

رئیس - موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده سی و یک

ماده ۳۱ - اداره برای رسیدگی در صورت لزوم میتواند ابراز دفاتر بستانکار را بخواهد.

رئیس - موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده سی و دو

ماده ۳۲ - مطالباتی که بموجب سند رسمی وثیقه ملکی دارند باید منظور شود هر چند از طرف بستانکار اظهار نشده باشد.

رئیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده سی و سه

ماده ۳۳ - پس از انقضای موعده ابراز اسناد منتهی در ظرف بیست روز اداره صورتی با در نظر گرفتن طلبهایی که حق رهن و یا رجحان دارند تهیه خواهد نمود.

رئیس - موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد.

[۳] **تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر دادگستری**

رئیس - آقای وزیر دادگستری

وزیر دادگستری - لایحه ایست در وزارت دادگستری تنظیم شده است در موضوع طرز اجرای محکومیت های حقوقی دادگاههای ارتش تقدیم میشود.

رئیس - بکمیسیون رجوع میشود

[۴] **تصویب سه فقره مرخصی**

رئیس - سه فقره گزارش از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده قرائت میشود.

آقای مرآت اسفندیاری در خواست هشت روز مرخصی از ۳ خرداد ۱۲۸۸ نموده اند و کمیسیون بادرخواست ایشان

موافقت نموده اینک گزارش آن بعرض میرسد .
 رئیس - موافقین با مرخصی آقای مرآت اسفندیاری
 قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. گزارش دیگر
 آقای توانا در خواست هشت روز مرخصی از تاریخ ۳
 خرداد ۱۳۱۸ نموده اند و مورد موافقت کمیسیون واقع شد
 اینک گزارش آن تقدیم میشود .
 رئیس - موافقین با مرخصی آقای توانا قیام فرمایند
 (اکثر برخاستند) تصویب شد .
 آقای قراگزلو در خواست بیست روز مرخصی از ۲۵
 مرداد نموده اند و کمیسیون با درخواست ایشان موافقت
 نموده اینک گزارش آن بعرض میرسد .
 رئیس - موافقین با مرخصی آقای قراگزلو برخیزند
 (اغلب قیام نمودند) تصویب شد .
 [۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
 رئیس - اگر تصویب میفرمایند جلسه را ختم کنیم
 جلسه آتی به روز یکشنبه ۲۷ خرداد سه ساعت قبل از ظهر
 دستور لوابیح موجوده .
 (مجلس مقارن ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری